

الدرس الثاني



تَفَكَّرُ سَاعَةً خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةِ سَبْعِينَ سَنَةً.

یک ساعت اندیشیدن بهتر از هفتاد سال عبادت است.

۳۸.....	آموزش قواعد	بخش اول
۴۲.....	تست‌های قواعد	
۴۵.....	فن ترجمه	بخش دوم
۴۹.....	تست‌های ترجمه	
۵۳.....	پاسخ پرسش‌های چهارگزینه‌ای	
۵۷.....	آزمون درس دوم	

اعداد

در سال‌های قبل در مورد اعداد مطالبی را آموخته‌اید.

در این درس می‌خواهیم با اعداد در زبان عربی بیشتر آشنا شویم.

همان‌طور که می‌دانید، اعداد به‌طور کلی بر دو نوع می‌باشند: ۱- اعداد اصلی ۲- اعداد ترتیبی

۱ اعداد اصلی: به همان عددهای معمولی یک، دو، سه، چهار، ... که بر «شماره» دلالت می‌کنند، اعداد اصلی می‌گویند.

حالا سعی کنید شکل عربی اعداد اصلی «یک» تا «بیست» را که در جدول زیر آمده است، به ذهن بسپارید:

اعداد اصلی (یک تا بیست)			
۱ ← واحد	۶ ← سِتَّة	۱۱ ← أَحَدَ عَشَرَ	۱۶ ← سِتَّةَ عَشَرَ
۲ ← اِثْنَانِ (اِثْنَيْنِ)	۷ ← سَبْعَةَ	۱۲ ← اِثْنَا عَشَرَ (اِثْنَيْ عَشَرَ)	۱۷ ← سَبْعَةَ عَشَرَ
۳ ← ثَلَاثَةَ	۸ ← ثَمَانِيَةَ	۱۳ ← ثَلَاثَةَ عَشَرَ	۱۸ ← ثَمَانِيَةَ عَشَرَ
۴ ← أَرْبَعَةَ	۹ ← تِسْعَةَ	۱۴ ← أَرْبَعَةَ عَشَرَ	۱۹ ← تِسْعَةَ عَشَرَ
۵ ← خَمْسَةَ	۱۰ ← عَشْرَةَ	۱۵ ← خَمْسَةَ عَشَرَ	۲۰ ← عِشْرُونَ

مثال: هَذَا كِتَابٌ وَاحِدٌ. (این، یک کتاب است.) / فِي الطَّبِيعَةِ سَبْعَةُ أَلْوَانٍ. (در طبیعت، هفت رنگ وجود دارد.)

عُمُرُ أَخِي سِتَّةَ عَشَرَ عَامًا. (عمر برادر من شانزده سال است.)

♦ **توجه:** برخی اعداد، گاهی به‌صورت مذکر و گاهی به‌صورت مؤنث (با «ة» یا بدون «ة») به کار می‌روند؛ بنابراین اگر به عنوان مثال به جای «واحد»، عدد «واحدة» یا

به جای «خمس»، عدد «خمس» یا به جای «ثلاثة عشر» عدد «ثلاث عشرة» را دیدید، تعجب نکنید.

- عدد «اثنان» (اثنین) به‌صورت «اثنان» (اثنین) نیز به کار می‌رود (یعنی در واقع عدد «دو» چهار شکل دارد).

- عدد «أحد عشر» به‌صورت «إحدى عشرة» نیز در جملات ممکن است دیده شود.

- عدد «اثنان عشر» (اثنی عشر) به‌صورت «اثننا عشرة» (اثنی عشره) نیز به کار می‌رود (یعنی عدد «دوازده» نیز چهار شکل دارد).

♦ **نکته:** به کلماتی مثل «کتاب»، «ألوان» و «عاماً» در مثال‌های بالا «معدود» گفته می‌شود. (به کلماتی که شمرده می‌شوند «معدود» می‌گویند. «معدود» بر

وزن «مفعول» به معنای «شمرده شده» است.)

♦ **نکته:** گاهی معدود به‌صورت جمع آورده می‌شود، اما حواسمان باشد که در فارسی آن را به‌صورت مفرد ترجمه می‌کنیم.

مثال: سَبْعَةُ أَلْوَانٍ: هفت رنگ / ثَلَاثُ مَكْتَبَاتٍ: سه کتابخانه

نمونه سؤال

أَكْمِلْ تَرْجُمَةَ الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةِ:

(۱) ﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ﴾ : او کسی است که آسمان‌ها و زمین را در آفرید.

(۲) لِهَذَا الرَّجُلِ تِسْعُ نِعَاجٍ: این مرد دارد.

(۲) نه گوسفند

(۱) شش روز

نمونه تست

عَيِّنْ تَرْجَمَةَ هَذِهِ الْأَعْدَادِ عَلَى التَّرْتِيبِ: «سِتَّةٌ - تِسْعَةٌ - سَبْعَةٌ»

- (۱) شش - هفت - هشت (۲) هفت - شش - نه (۳) هفت - نه - شش (۴) شش - نه - هفت
- ✓ گزینه (۴)

۲ اعداد ترتیبی: به عددهای اول، دوم، سوم، ... که بیانگر ترتیب هستند، اعداد ترتیبی می‌گویند. اعداد ترتیبی «اول» تا «بیستم» هم در جدول زیر آمده است. سعی کنید حتماً آن‌ها را به ذهن بسپارید.

اعداد ترتیبی (یکم تا بیستم «نخستین تا بیستمین»)			
اول ← الْأَوَّلُ	ششم ← السَّادِسُ	یازدهم ← الْحَادِي عَشَرَ	شانزدهم ← السَّادِسَ عَشَرَ
دوم ← الثَّانِي	هفتم ← السَّابِعُ	دوازدهم ← الثَّانِي عَشَرَ	هفدهم ← السَّابِعَ عَشَرَ
سوم ← الثَّلَاثُ	هشتم ← الثَّمَانِي	سیزدهم ← الثَّلَاثَ عَشَرَ	هجدهم ← الثَّمَانِي عَشَرَ
چهارم ← الرَّابِعُ	نهم ← التَّاسِعُ	چهاردهم ← الرَّابِعَ عَشَرَ	نوزدهم ← التَّاسِعَ عَشَرَ
پنجم ← الْخَامِسُ	دهم ← الْعَاشِرُ	پانزدهم ← الْخَامِسَ عَشَرَ	بیستم ← الْعِشْرُونَ

مثال: الصَّفُّ الثَّلَاثُ (کلاس سوم) / الإمام الثَّانِي عَشَرَ (امام دوازدهم)

قَرَأْنَا الدَّرْسَ الْعِشْرِينَ. (درس بیستم را خواندیم.) / ذَهَبْتُ لِزِيَارَةِ الْإِمَامِ الرَّضَا، ثَامِنِ أَيْمَتِنَا (ع). (به زیارت امام رضا، هشتمین امامان (ع) رفتم.)

♦ توجه: اعداد ترتیبی اول تا نوزدهم به غیر از عدد «اول» که مؤنث آن می‌شود: «أولى»، بقیه به وسیله «تاء» تأنیث (یعنی «ة») مؤنث می‌شوند.

مثال: الثَّانِي مَوْئِثٌ ← الثَّانِيَةِ العاشر مَوْئِثٌ ← العاشِرَةِ الحادي عَشَرَ مَوْئِثٌ ← الحادية عَشْرَةَ

♦ دقت کنید: همان‌طور که در اعداد ترتیبی «یکم» تا «بیستم» می‌بینید، اعداد «دوم» تا «دهم» و نیز جزء اول اعداد «یازدهم» تا «نوزدهم» بر وزن «فاعل» می‌آیند.

نمونه سؤال

أكمل تَرْجَمَةَ الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةِ:

(۱) نَقَرْنَا الْيَوْمَ الدَّرْسَ الثَّمَانِينَ عَشَرَ مِنْ كِتَابِنَا: امروز از کتابمان را می‌خوانیم.

(۲) ذَهَبْتُ إِلَى كَرْبَلَاءَ لِزِيَارَةِ الْإِمَامِ الثَّلَاثِ: برای زیارت به کربلا رفتم.

✓

- (۱) درس هجدهم (۲) امام سوم

إِنْتِخِبَ الْعَدَدُ الْمُنَاسِبُ لِلْفُرَاغِ:

(۱) الشَّهْرُ فِي السَّنَةِ شَهْرُ بَهْمَنَ. الحادي عَشَرَ الثاني عَشَرَ

(۲) الْفُضْلُ فِي السَّنَةِ حَرِيفٌ. الثالثُ الأوَّلُ

✓

- (۱) الحادي عَشَرَ (ماه یازدهم در سال، ماه بهمن است.) (۲) الثالثُ (فصل سوم در سال، پاییز است.)

نمونه تست

عَيِّنْ نَوْعَ الْأَعْدَادِ التَّالِيَةِ: «ثَمَانِيَةَ عَشَرَ - الْحَادِي عَشَرَ - الْعَاشِرِ»

- (۱) ترتیبی - اصلی - ترتیبی (۲) اصلی - ترتیبی - ترتیبی (۳) ترتیبی - ترتیبی - اصلی (۴) اصلی - اصلی - ترتیبی
- ✓ گزینه (۲)

♦ توجه: برای بیان کردن ساعت نیز از اعداد ترتیبی استفاده می‌شود؛ مثال: كم السَّاعَةِ؟ (ساعت چند است؟)؛ جواب: الثَّانِيَةَ عَشْرَةَ تَمَامًا. (دوازده تمام)

اعداد عقود: تا این جا یاد گرفتیم که اعداد در زبان عربی به دو نوع کلی اصلی و ترتیبی تقسیم می‌شوند. به اعداد ۲۰، ۳۰، ۴۰، ... تا ۹۰ نیز در عربی «عقود» می‌گویند. یک وقت اسم این اعداد شما را دچار وحشت نکند؛ شما فقط کافی است شکل این اعداد را که در جدول زیر آمده، به‌خاطر بسپارید:

۹۰	۸۰	۷۰	۶۰	۵۰	۴۰	۳۰	۲۰
↓	↓	↓	↓	↓	↓	↓	↓
تِسْعُونَ	ثَمَانُونَ	سَبْعُونَ	بِستُونَ	خَمْسُونَ	أَرْبَعُونَ	ثَلَاثُونَ	عِشْرُونَ

♦ **توجه:** اعداد عقود گاهی به جای «وَنَ» با «يَنَ» می‌آیند.

مثال: قَرَأْتُ ثَلَاثِينَ كِتَابًا فِي الصَّيْفِ الْمَاضِي. (در تابستان گذشته سی کتاب خواندم.)

♦ **نکته:** عدد «صد» به عربی می‌شود «مِئَةٌ» که به‌صورت «مِائَةٌ» نیز نوشته می‌شود. ولی تلفظشان هیچ فرقی نمی‌کند و «مِائَةٌ» هم همان «مِئَةٌ» تلفظ می‌شود. مثال: جَعَلَ اللَّهُ الرَّحْمَةَ مِئَةً جِزَاءً. (خداوند رحمت را صد جزء قرار داد.)

♦ **نکته:** برای بیان «درصد» در عربی از (عدد + فِي الْمِئَةِ) استفاده می‌کنیم. مثال: ثَمَانُونَ فِي الْمِئَةِ (هشتاد درصد)

♦ **نکته:** اکنون با توجه به مطالبی که تا الان در مورد اعداد یاد گرفته‌اید، می‌توانید عددهای بین «بیست» تا «صد» مثل «بیست و دو»، «هفتاد و پنج»، ... را نیز در زبان عربی تشخیص دهید. (در این نوع اعداد ابتدا عدد «یکان» نوشته می‌شود و سپس عدد «دهگان».)

مثال: اِثْنَانِ وَ عِشْرُونَ ← بیست و دو / خَمْسَةٌ وَ سَبْعُونَ ← هفتاد و پنج / ثَلَاثَةٌ وَ ثَلَاثُونَ ← سی و سه

♦ **نکته:** «ألف» در زبان عربی به معنای «هزار» است. مثال: فِي هَذِهِ الْمَكْتَبَةِ أَلْفُ كِتَابٍ. (در این کتابخانه هزار کتاب است.)

♦ **نکته:** یادآوری ایام هفته:

شنبه	یکشنبه	دوشنبه	سه‌شنبه	چهارشنبه	پنجشنبه	جمعه
↓	↓	↓	↓	↓	↓	↓
السَّبْت	الأحد	الاثنين	الثلاثاء	الأربعاء	الخميس	الجمعة

اِخْتَبِرْ نَفْسَكَ:

ترجمه إلى الفارسیة:

..... ← ﴿ثَلَاثِينَ لَيْلَةً﴾ (۱) ← ﴿بِستينَ مسكيناً﴾ (۶)
..... ← ﴿سَبْعِينَ رَجُلًا﴾ (۲) ← ﴿بِستةَ أيامٍ﴾ (۷)
..... ← ﴿عَلَيْهَا تِسْعَةَ عَشَرَ﴾ (۳) ← ﴿رَوْحَيْنِ اثْنَيْنِ﴾ (۸)
..... ← ﴿سَبْعَةَ أَبْوَابٍ﴾ (۴) ← ﴿مِئَةَ حَبَّةٍ﴾ (۹)
..... ← ﴿عِشْرُونَ صَابِرُونَ﴾ (۵) ← ﴿إِطْعَامَ عَشْرَةِ مَساكِينٍ﴾ (۱۰)



- | | | |
|----------------------------|-------------------------|-------------------------------------|
| ۱) سی شب | ۲) هفتاد مرد | ۳) بر آن [دوزخ] نوزده [نگهبان] است. |
| ۴) هفت در | ۵) بیست [نفر] شکبیا | ۶) شصت فقیر |
| ۷) شش روز | ۸) دو زوج (جفتی دوگانه) | ۹) صد دانه |
| ۱۰) غذا دادن به ده نیازمند | | |

نمونه سؤال

ترجم بالفارسيّة:

- (۱) تِسْعُونَ ←
 (۲) سَبْعَةٌ و ثَلَاثُونَ ←
 (۳) أَرْبَعُونَ ←
 (۴) ثَمَانُونَ فِي الْمِئَةِ ←
 (۵) يَوْمُ الْأَرْبَعَاءِ ←
 (۶) وَاحِدٌ وَ خَمْسُونَ ←



- (۱) نود
 (۲) سی و هفت
 (۳) چهل
 (۴) هشتاد درصد
 (۵) روز چهارشنبه
 (۶) پنجاه و یک

نمونه تستی

عَبِّنِ الصَّحِيحَ عَنِ هَذِهِ الْعَمَلِيَّاتِ الْحِسَابِيَّةِ: «تَسْعُونَ نَاقِصٌ عَشْرَةٌ يُسَاوِي ثَمَانِينَ.»

$۸۰ \div ۱۰ = ۸$ (۴)

$۶۰ + ۲۰ = ۸۰$ (۳)

$۵۰ - ۲۰ = ۳۰$ (۲)

$۹۰ - ۱۰ = ۸۰$ (۱)

گزینه (۱)

عَبِّنِ مَا لَيْسَ فِيهِ الْعُقُودُ:

- (۱) تَفَكَّرَ سَاعَةً حَيْرٌ مِنْ عِبَادَةِ سَبْعِينَ سَنَةً.
 (۲) إِذَا كَانَ اثْنَانِ يَتَنَاجِيَانِ فَلَا تَدْخُلُ بَيْنَهُمَا.
 (۳) الْغُرَابُ يَعْيشُ عَشْرِينَ سَنَةً أَوْ أَكْثَرَ.
 (۴) الثَّمَلَةُ تَقْدِرُ عَلَى حَمْلِ شَيْءٍ يَفُوقُ وَرْتَهَا خَمْسِينَ مَرَّةً.

گزینه (۲)

«اثنان» به معنای «دو» از اعداد عقود نیست.

در گزینه‌های دیگر به ترتیب «سبعین» (هفتاد)، «عشرین» (بیست) و «خمسین» (پنجاه) از اعداد عقود هستند.



Blank writing area with horizontal lines for student answers.

تست‌های قواعد

- ١- ما هو الصَّحِيحُ لِلْفَرَاقَاتِ عَلَى التَّرْتِيبِ؟: «الخامس - - - الثامن -»
- (١) الرابع - السابع - السادس (٢) الثالث - التاسع - السابع (٣) السادس - السابع - التاسع (٤) السابع - السادس - العاشر
- ٢- عَيِّنِ الخَطَأَ:
- (١) المَرَّةُ الأولى: بارٍ أوَّل (٢) سَبْعَةٌ أبوابٍ: هفت در (٣) بَيْتَيْنِ مِسْكِينًا: هفتاد فقير (٤) مِئَةٌ حَبَّةٌ: صد دانه
- ٣- عَيِّنِ الصَّحِيحَ:
- (١) سَبْعَةٌ و ثَمَانُونَ: هشتاد و هفت (٢) اِثْنَانِ و عِشْرُونَ: دوازده (٣) بَيْتَةٌ و تِسْعُونَ: نود و هفت (٤) حَمْسَةٌ و أَرْبَعُونَ: پنجاه و چهار
- ٤- عَيِّنِ الجواب الصحيح لعدد «١٦»:
- (١) السادس عَشْرَ (٢) سِتَّةَ عَشْرَ (٣) السابع عَشْرَ (٤) بَيْتَةَ
- ٥- عَيِّنِ المَعْدُودِ فِي هَذِهِ العِبَارَةِ: «طُولُ قَامَةِ الرَّزَّاقَةِ سِتَّةَ أمتارٍ.»
- (١) طول (٢) أمتار (٣) بَيْتَةَ (٤) الرِّزَاقَةَ
- ٦- عَيِّنِ الجواب الصحيح لعدد «بانزدهم»:
- (١) حَمْسَةٌ (٢) حَمْسَةَ عَشْرَ (٣) الخَامِسَ عَشْرَ (٤) الخَامِيسَ
- ٧- ما هو الفصلُ الثاني في السنةِ الإيرانيَّةِ؟
- (١) الخَرِيفُ (٢) الرَّبِيعُ (٣) الصَّيْفُ (٤) الشِّتَاءُ
- ٨- ما هو الفصلُ الأوَّلُ في السَّنَةِ الإيرانيَّةِ؟
- (١) الصَّيْفُ (٢) الرَّبِيعُ (٣) الشِّتَاءُ (٤) الخَرِيفُ
- ٩- «الفصلُ في السَّنَةِ الإيرانيَّةِ فصلُ الخَرِيفِ.» عَيِّنِ الصَّحِيحَ لِلْفَرَاقِ:
- (١) الثاني (٢) الثالث (٣) ثَلَاثَةٌ (٤) الرابع
- ١٠- كم صَفًّا فِي المرحلةِ الابتدائيَّةِ؟
- (١) حَمْسَةٌ (٢) سِتَّةَ (٣) سَبْعَةَ (٤) تِسْعَةَ
- ١١- كم أُسْبُوعًا فِي الشَّهْرِ؟
- (١) اِثْنَانِ (٢) ثَلَاثَةٌ (٣) أَرْبَعَةٌ (٤) حَمْسَةٌ
- ١٢- «مَرَقَدُ الإمامِ في كربلاء.» عَيِّنِ الصَّحِيحَ لِلْفَرَاقِ:
- (١) الأوَّلُ (٢) الثاني (٣) ثَلَاثَةٌ (٤) الثالث
- ١٣- «مَرَقَدُ الإمامِ في مشهد.» عَيِّنِ الصَّحِيحَ لِلْفَرَاقِ:
- (١) ثَمَانِيَّةَ (٢) الثَّامِنَ (٣) سَبْعَةَ (٤) السابع
- ١٤- كم دَقِيقَةً فِي سَاعَةٍ واحِدَةٍ؟
- (١) تِسْعُونَ (٢) سَبْعُونَ (٣) حَمْسُونَ (٤) بَيْتُونَ
- ١٥- «اليومُ من أَيَّامِ الأُسْبُوعِ يَوْمَ الأَحَدِ.» عَيِّنِ عِدَدًا تَرْتِيبِيًّا مَناسِبًا لِلْفَرَاقِ:
- (١) الأوَّلُ (٢) الثاني (٣) الثالث (٤) اِثْنَانِ
- ١٦- «اليومُ من أَيَّامِ الأُسْبُوعِ يَوْمَ الخَمِيسِ.» عَيِّنِ عِدَدًا تَرْتِيبِيًّا مَناسِبًا لِلْفَرَاقِ:
- (١) سِتَّةَ (٢) الخَامِيسَ (٣) السادس (٤) حَمْسَ
- ١٧- «اليومُ الثالثُ من أَيَّامِ الأُسْبُوعِ يَوْمٌ» عَيِّنِ الصَّحِيحَ لِلْفَرَاقِ:
- (١) الثَّلَاثَاءُ (٢) السَّبْتُ (٣) الأَحَدُ (٤) الإِثْنَيْنِ

١٨- عَيِّنِ الصَّحِيحَ فِي تَرْتِيبِ أَيَّامِ الأَسْبُوعِ:

- (١) السَّبْتُ - الأَحَدُ - الإِثْنَيْنِ - الثَّلَاثاءُ - ...
 (٢) الأَحَدُ - السَّبْتُ - الإِثْنَيْنِ - الثَّلَاثاءُ - ...
 (٣) الأَحَدُ - الإِثْنَيْنِ - السَّبْتُ - الثَّلَاثاءُ - ...
 (٤) الإِثْنَيْنِ - الأَحَدُ - الثَّلَاثاءُ - السَّبْتُ - ...

١٩- عَيِّنِ الخَطَأَ:

- (١) فِي الأَسْبُوعِ تِسْعَةٌ أَيَّامٍ. (٢) الشَّهْرُ ثَلَاثُونَ يَوْمًا. (٣) السَّنَةُ إِثْنَا عَشَرَ شَهْرًا. (٤) القَرْنُ مِئَةٌ سَنَةً.

٢٠- عَيِّنِ الصَّحِيحَ لِلفَّرَاغِ عَلَى التَّرْتِيبِ: «..... - ثَلَاثُونَ - - إِثْنَانِ وَ ثَلَاثُونَ -»

- (١) عَشْرَةٌ وَ تِسْعُونَ - وَاحِدٌ وَ ثَلَاثُونَ - تِسْعَةٌ وَ عِشْرُونَ
 (٢) تِسْعَةٌ وَ عِشْرُونَ - وَاحِدٌ وَ ثَلَاثُونَ - ثَلَاثَةٌ وَ ثَلَاثُونَ
 (٣) تِسْعَةٌ وَ ثَلَاثُونَ - أَحَدٌ وَ ثَلَاثُونَ - ثَلَاثَةٌ وَ ثَلَاثُونَ
 (٤) تِسْعَةٌ وَ عِشْرُونَ - وَاحِدٌ وَ عِشْرُونَ - الثَّالِثُ وَ ثَلَاثُونَ

٢١- عَيِّنِ الصَّحِيحَ عَنِ «٧٥»:

- (١) سَبْعَةٌ وَ خَمْسُونَ (٢) خَمْسَةٌ وَ تِسْعُونَ (٣) سَبْعَةٌ وَ ثَمَانُونَ (٤) خَمْسَةٌ وَ سَبْعُونَ

٢٢- عَيِّنِ الصَّحِيحَ فِي جَوَابِ «٧ + ٩»:

- (١) أَرْبَعَةٌ عَشْرَ (٢) خَمْسَةٌ عَشْرَ (٣) سَبْعَةٌ عَشْرَ (٤) بِيْتَةٌ عَشْرَ

٢٣- عَيِّنِ الصَّحِيحَ فِي جَوَابِ «٣٣ - ٦٣»:

- (١) ثَلَاثُونَ (٢) أَرْبَعُونَ (٣) خَمْسُونَ (٤) عِشْرُونَ

٢٤- عَيِّنِ الصَّحِيحَ فِي جَوَابِ (٨ × ٦):

- (١) أَرْبَعَةٌ وَ ثَمَانُونَ (٢) تِسْعَةٌ وَ أَرْبَعُونَ (٣) ثَمَانِيَةٌ وَ ثَلَاثُونَ (٤) ثَمَانِيَةٌ وَ أَرْبَعُونَ

٢٥- أَكْتُبِ هَذِهِ السَّاعَةَ بِالْأَرْقَامِ: «الثَّانِيَةَ عَشْرَةَ تَمَامًا»

- (١) ٢:٥٥ (٢) ٢:١٥ (٣) ١٢:٥٥ (٤) ٢٢:٥٥

٢٦- أَكْتُبِ هَذِهِ السَّاعَةَ بِالْأَرْقَامِ: «السَّادِسَةَ إِلا زُبْعًا»

- (١) ٦:١٥ (٢) ٦:٤٥ (٣) ٤:٤٥ (٤) ٥:٤٥

٢٧- كَمْ السَّاعَةُ الآنَ؟ (٣:٣٥)

- (١) الثَّالِثَةَ إِلا نِصْفًا (٢) ثَلَاثَةٌ وَ ثَلَاثُونَ (٣) الثَّالِثَةَ وَ النِّصْفَ (٤) الثَّالِثَةَ وَ الرُّبْعَ

٢٨- كَمْ السَّاعَةُ الآنَ؟ (٧:١٥)

- (١) الثَّامِنَةَ وَ عَشْرَ دَقَائِقَ (٢) السَّابِعَةَ وَ عَشْرَ دَقَائِقَ (٣) السَّابِعَةَ إِلا عَشْرَ دَقَائِقَ (٤) السَّادِسَةَ وَ عَشْرَ دَقَائِقَ

٢٩- كَمْ السَّاعَةُ الآنَ؟ (٤:٢٥)

- (١) الرَّابِعَةَ إِلا عِشْرِينَ دَقِيقَةً (٢) الرَّابِعَةَ وَ عِشْرُونَ دَقِيقَةً (٣) الرَّابِعَةَ وَ عَشْرَ دَقَائِقَ (٤) العَاشِرَةَ إِلا أَرْبَعَ دَقَائِقَ

٣٠- كَمْ السَّاعَةُ الآنَ؟ (٢:١٥)

- (١) الثَّانِيَةَ إِلا زُبْعًا (٢) الثَّانِيَةَ وَ الرُّبْعَ (٣) الثَّانِيَةَ عَشْرَةَ وَ الرُّبْعَ (٤) الرَّابِعَةَ وَ دَقِيقَتَانِ

٣١- أَكْتُبِ هَذِهِ العَمَلِيَّاتِ الحِسَابِيَّةَ بِالْأَرْقَامِ: «إِثْنَانِ وَ ثَمَانُونَ تَقْسِيمًا عَلَى إِثْنَيْنِ يُساوِي وَاحِدًا وَ أَرْبَعِينَ.»

- (١) $28 \div 2 = 14$ (٢) $80 \div 2 = 40$ (٣) $21 + 20 = 41$ (٤) $82 \div 2 = 41$

٣٢- أَكْتُبِ هَذِهِ العَمَلِيَّاتِ الحِسَابِيَّةَ بِالْأَرْقَامِ: «عَشْرَةٌ فِي ثَلَاثَةٍ يُساوِي ثَلَاثِينَ.»

- (١) $60 - 30 = 30$ (٢) $20 + 10 = 30$ (٣) $30 \times 1 = 30$ (٤) $10 \times 3 = 30$

٣٣- أَكْتُبِ هَذِهِ العَمَلِيَّاتِ بِالْأَرْقَامِ: «مِئَةٌ تَقْسِيمًا عَلَى خَمْسَةٍ يُساوِي عِشْرِينَ.»

- (١) $150 \div 15 = 10$ (٢) $100 \div 5 = 20$ (٣) $4 \times 50 = 20$ (٤) $50 \div 5 = 10$

٣٤- أَكْتُبِ هَذِهِ العَمَلِيَّاتِ بِالْأَرْقَامِ: «خَمْسَةٌ وَ سَبْعُونَ زَائِدًا خَمْسَةَ وَ عِشْرِينَ يُساوِي مِئَةً.»

- (١) $57 + 53 = 110$ (٢) $4 \times 25 = 100$ (٣) $75 + 25 = 100$ (٤) $115 - 15 = 100$

٣٥- «إثنان و خمسون إثنين يساوي ستة و عشرين.»؛ عَيِّن الصَّحِيحَ لِلْفَرَاغِ:

- (١) تقسيمٌ على
(٢) في
(٣) ناقصٌ
(٤) زائدٌ

٣٦- «..... ناقصٌ عشرة يساوي»؛ عَيِّن الخَطَأَ لِلْفَرَاغِ:

- (١) تسعون - ثمانين
(٢) أربعة و عشرون - أربعة عشر
(٣) ستون - خمسين
(٤) خمسة و ثلاثون - اثنين و خمسين

٣٧- «ثلاثة و ستون ناقصٌ واحدٍ و عشرين يساوي»؛ عَيِّن الصَّحِيحَ لِلْفَرَاغِ:

- (١) واحداً و أربعين
(٢) اثنين و أربعين
(٣) أربعة و عشرين
(٤) تسعة و ثلاثين

٣٨- عَيِّن العددَ الترتيبي:

- (١) إنَّ طعامَ الواحدِ يكفي الإثنين.
(٢) عمري ستة عشر عاماً.
(٣) يأخذُ الفائزُ الأولُ جائزةً ذهبيةً.
(٤) ﴿مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا﴾

٣٩- مَيِّزْ عددَ «١٧٠» في العباراتِ التالية:

- (١) أمسك الله عنده تسعة و تسعين جزءاً من رحمته.
(٢) لبيت نوح (ع) في قومه ألف سنةٍ إلا خمسين عاماً.
(٣) وزنُ هذه العنكبوتِ مئةٌ و سبعون غراماً.
(٤) لمعلمي مئةٌ و خمسون كتاباً في مكتبته.

٤٠- لكتابك مئةٌ و عشرون صفحةً. قرأت ثلاثاً و سبعين صفحةً منه؛ كم صفحةً ما قرأتها؟

- (١) ثمانين و أربعين صفحةً
(٢) سبعةً و أربعين صفحةً
(٣) أربع و سبعين صفحةً
(٤) سبعةً و خمسين صفحةً

٤١- «في مكتبتني ستُّ طبقاتٍ و في كلِّ طبقةٍ تسعةٌ كُتُبٌ. في مكتبتني كتاباً.»؛ عَيِّن الصَّحِيحَ لِلْفَرَاغِ:

- (١) خمسةٌ و أربعون
(٢) ثمانينٌ و أربعون
(٣) ثلاثةٌ و ستون
(٤) أربعةٌ و خمسون

٤٢- عَيِّن العددَ الترتيبي:

- (١) ذهبَ واحدٌ من التلاميذ للزيارة إلى مشهد المقدسة.
(٢) كنتُ أدرسُ كلَّ يومٍ سبعَ ساعاتٍ في السنة الماضية.
(٣) أخذَ صديقي كتابين اثنين من المكتبة لمدة ثلاثة أيامٍ.
(٤) سألتني المعلمُ اثني عشر سؤالاً من الصفحة الثامنة عشرة من الكتاب.

٤٣- عَيِّن عبارةً فيها العقود:

- (١) العبادةُ عشرة أجزاء، تسعة أجزاء في طلبِ الحلال.
(٢) ﴿لَاتَّخِذُوا إِلَهَيْنِ إِنَّمَا هُوَ إِلَهٌ وَاحِدٌ﴾
(٣) تسعون ناقصٌ عشرة يساوي ثمانين.
(٤) وزنُ هذه العنكبوتِ مئةٌ غرامٍ.

٤٤- عَيِّن عبارةً جاء فيها العددُ الأصليُّ و الترتيبيُّ:

- (١) اشتراك ثمانية عشر تلميذاً و عشر تلميذات في المسابقة.
(٢) لأخي سبعٌ و سبعون نعجةً و لي أربعةٌ و ثلاثون نعجةً.
(٣) نتعلمُ لثنتين اثنتين من الصف السابع حتى الصف الثاني عشر.
(٤) في كلِّ ركعةٍ من الصلاة ركوعٌ واحدٌ و سجدتان إثنان.

٤٥- عَيِّن ما كُتِبَ من الأعدادِ الأصلية:

- (١) اثنين و أربعين - إحدى عشرة - السادس عشر
(٢) أربعة - اثني عشر - تسعٌ و خمسون
(٣) ثلاث - خامسة عشرة - أولى
(٤) الثامن - خمس عشرة - سبعةٌ و سبعون

نقش حروف اضافه در ترجمه، ...

۱ گاهی حرف اضافه معنای فعل را تغییر می‌دهد.

مثال: قام: (ایستاد) ← قام بِ (اقدام کرد، عمل کرد، پرداخت)

جاءَ / أتى (آمد) ← جاءَ بِ / أتى بِ (آورد) / ذَهَبَ (رفت) ← ذَهَبَ بِ (برد)

يَدْخُلُ الْأُسْتَاذُ فِي الصَّفِّ فَيَقُومُ الطَّلَابُ إِحْتِرَامًا لَهُ. (استاد وارد کلاس می‌شود و دانشجویان به احترامش برمی‌خیزند.)

قامَ جَدِّي بِتَوْزِيعِ الْهَدَايَا عَلَى الْبَنَاتِ وَالْبَنِينَ فِي الْحَفْلَةِ. (پدربزرگم در جشن، به بخش هدیه‌ها میان دختران و پسران پرداخت.)

جاءَ الْمَسَافِرُ إِلَى إِيْرَانَ لِلْمَرَّةِ الْأُولَى. (مسافر برای بار اول به ایران آمد.)

جاءَ أَخِي الْمِضْيَافَ بِالطَّعَامِ لِضَيْوْفِنَا الْأَعْرَاءِ. (برادر مهمان‌نوازم برای مهمانان گرامیمان خوراک آورد.)

همان‌طور که در مثال‌های بالا می‌بینید خود حرف اضافه «بِ» بعد از افعال ترجمه نمی‌شود و فقط معنای فعل را تغییر می‌دهد.

♦ توجه: فعل‌های دیگری نیز هستند که حرف اضافه بعد از آن‌ها را می‌توان ترجمه نکرد.

مثال: نَحْنُ شَعْرْنَا بِالْإِفْتِيْحَارِ: ما احساسِ افتخارِ کردیم. (عربی هفتم، ص ۶۴)

إِنَّ التَّمَلَّةَ تَقْدِرُ عَلَى حَمْلِ شَيْءٍ يَفُوقُ وَزْنَهَا خَمْسِينَ مَرَّةً: مورچه می‌تواند چیزی را حمل کند که پنجاه برابر وزن خودش می‌باشد. (همین درس، ص ۲۱ کتاب درسی)

نمونه تستی

عَيْنُ الصَّحِيْحِ فِي التَّرْجُمَةِ: «يَقُومُ الْمُؤْمِنُ بِالْإِسْتِغْفَارِ مِنْ رَبِّهِ قَبْلَ الْمَوْتِ لِأَنَّ الْفُرْصَةَ قَلِيلَةٌ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا.»

۱) مؤمن از پروردگارش قبل از مرگ آمرزش می‌خواهد زیرا فرصت در این دنیا کم است.

۲) مؤمن به آمرزش خواستن از پروردگار قبل از مرگ خود می‌پردازد زیرا فرصت در دنیا کم است.

۳) مؤمن به آمرزش خواستن از پروردگارش قبل از مرگ می‌پردازد زیرا فرصت در این دنیا کم است.

۴) مؤمن باید به آمرزش خواستن از پروردگارش قبل از مرگ بپردازد که فرصت‌ها در این دنیا بسیار کم است.

✓ گزینه (۳)

بررسی سایر گزینه‌ها:

۱) عدم ترجمه «يَقُومُ بِ» / آمرزش می‌خواهد ← آمرزش خواستن

۲) پروردگار ← پروردگارش / زاید بودن «خود» / عدم ترجمه «هذه»

۴) زاید بودن «باید» / بپردازد ← می‌پردازد / که ← زیرا / فرصت‌ها ← فرصت / زاید بودن «بسیار»

۲ گاهی در زبان عربی معنای جمع می‌آید ولی یادمان باشد که در هنگام ترجمه براساس ساختار زبان فارسی، باید آن را به صورت مفرد ترجمه کنیم.

مثال: ثَلَاثَةُ كُتُبٍ ← سه کتاب
مفرد جمع
أَرْبَعُ مَجَلَّاتٍ ← چهار مجله
مفرد جمع

۳ بعضی وقت‌ها با توجه به ساختار و محتوای جمله ترکیب‌های بر وزن «ما أفعل» را باید به صورت تعجیبی معنا کنیم:

مثال: ما أَجْمَلُ غَابَاتِ مَازَنْدَرَانَ وَطَبِيعَتِهَا! ← جنگل‌های مازندران و طبیعت آن چه زیباست! (ص ۱۷ کتاب درسی)

نمونه تسته

«يُطَالَعُ أَحَدٌ أصدقائي ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ مِنَ الْأُسْبُوعِ وَ يَقُولُ مَا أَنْفَعَ قِرَاءَةَ الْكِتَابِ.» عَيْنُ الصَّحِيحِ:

- ۱) یکی از دوستانم سه روز از هفته را مطالعه کرد و گفت: خواندن کتاب سودمند نبود.
 - ۲) یکی از دوستانم سه روز از هفته را مطالعه می‌کند و می‌گوید: خواندن کتاب چه سودمند است!
 - ۳) یکی از دوستان من، روز سوم هفته را مطالعه می‌کند و می‌گوید: خواندن کتاب چه سودی دارد؟
 - ۴) یکی از دوستان سه روزها را در هفته مطالعه می‌کند و می‌گوید: خواندن کتاب چقدر مفید است!
- ✓ گزینه (۲)

بررسی سایر گزینه‌ها:

- ۱) مطالعه کرد ← مطالعه می‌کند («يُطَالَعُ» فعل مضارع است.) / گفت ← می‌گوید («يَقُولُ» مضارع است.) / سودمند نبود ← چه سودمند است («مَا أَنْفَعَ» را باید در این جا به صورت تعجبی ترجمه کنیم.)
- ۳) روز سوم ← سه روز («ثَلَاثَةَ» از اعداد اصلی است) / چه سودی دارد؟ ← چه سودمند است!
- ۴) عدم ترجمه «ي» در «أصدقائي» / سه روزها ← سه روز (معدود «أَيَّامٍ» اگرچه جمع است، ولی براساس ساختار زبان فارسی باید به صورت مفرد ترجمه شود.)

ترجمه عبارات مهم درس

ستم سه گونه است: ستمی که خداوند آن را نمی‌بخشد و ستمی که آن را می‌بخشد و ستمی که آن را رها نمی‌کند (دست بر نمی‌دارد).	أَطْلَمُ ثَلَاثَةَ ظَلَمٌ لَا يَغْفِرُهُ اللَّهُ، وَ ظَلَمٌ يُغْفِرُهُ، وَ ظَلَمٌ لَا يَنْزِعُهُ.
و اما ستمی که خداوند آن را می‌بخشد، ستم بندگان به خودشان می‌باشد در آن چه بین آن‌ها و پروردگارشان است.	وَ أَمَّا الظُّلْمُ الَّذِي يَغْفِرُهُ اللَّهُ، فَظُلْمُ الْعِبَادِ أَنْفُسَهُمْ فِي مَا بَيْنَهُمْ وَ بَيْنَ رَبِّهِمْ.
اما ستمی که خداوند آن را رها نمی‌کند (از آن دست نمی‌کشد)، ستم بندگان به یکدیگر است.	وَ أَمَّا الظُّلْمُ الَّذِي لَا يَنْزِعُهُ اللَّهُ، فَظُلْمُ الْعِبَادِ بَعْضُهُمْ بَعْضًا.
همگی (با هم) بخورید و پراکنده نشوید چرا که برکت با جماعت است.	كُلُوا جَمِيعًا وَ لَا تَفْرَقُوا، فَإِنَّ الْبِرْكَهَ مَعَ الْجَمَاعَةِ.
هر کس چهل صبح (روز) برای خداوند مخلص شود، چشمه‌های حکمت از قلب او بر زبانش ظاهر می‌شود.	مَنْ أَخْلَصَ لِلَّهِ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا، ظَهَرَتْ يَنَابِيعُ الْحِكْمَةِ مِنْ قَلْبِهِ عَلَى لِسَانِهِ.
عبادت ده جزء است، نُه جزء آن در طلب [روزی] حلال است.	الْعِبَادَةُ عَشْرَةٌ أَجْزَاءٍ تَسَعُهُ أَجْزَاءُ فِي طَلَبِ الْحَلَالِ.
هرگاه دو نفر با هم راز می‌گفتند، بین آن‌ها وارد نشو.	إِذَا كَانَ اثْنَانِ يَتَنَاجَيَانِ فَلَا تَدْخُلْ بَيْنَهُمَا.
هنگامی که حقیقت را از جانب ما برای آنان آورد گفتند: پسران کسانی را که با او ایمان آوردند، بکشید.	﴿ فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْحَقِّ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا اقْتُلُوا أَبْنَاءَ الَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ ﴾
و به راستی پیش از تو فرستادگانی به سوی قومشان فرستادیم پس دلایل آشکار برایشان آوردند.	﴿ وَ لَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ رُسُلًا إِلَى قَوْمِهِمْ فَجَاؤُوهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ ﴾
کیست معبودی جز خداوند که برای شما روشنی می‌آورد؟ آیا نمی‌شنوید؟	﴿ مَنْ إِلَهٌ غَيْرُ اللَّهِ يَأْتِيكُمْ بَضِيَاءٌ أَفَلَا تَسْمَعُونَ ﴾
و برادران یوسف آمدند و بر او وارد شدند پس آن‌ها را شناخت.	﴿ وَ جَاءَ إِخْوَةَ يَوْسُفَ فَدَخَلُوا عَلَيْهِ فَعَرَفَهُمْ ﴾
بگو چه کسی کتابی را که موسی (ع) آن را آورد، نازل کرد؟	﴿ قُلْ مَنْ أَنْزَلَ الْكِتَابَ الَّذِي جَاءَ بِهِ مُوسَى ﴾
من یازده ستاره و خورشید و ماه را دیدم، دیدم که آن‌ها برای من سجده می‌کنند.	﴿ إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا وَ الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ رَأَيْتُهُمْ لِي سَاجِدِينَ ... ﴾
این، برادر من است. او نود و نه گوسفند دارد و من یک گوسفند دارم.	﴿ إِنَّ هَذَا أَخِي لَهُ تِسْعٌ وَ تِسْعُونَ نَعْجَةً وَ لِي نَعْجَةٌ وَاحِدَةٌ ... ﴾
خداوند فرمود: دو معبود [برای خود] نگیرید، بدون شک او خدایی یگانه است.	﴿ قَالَ اللَّهُ لَا تَتَّخِذُوا الْإِلَهِينَ اثْنَيْنِ إِنَّمَا هُوَ إِلَهٌ وَاحِدٌ ﴾
هر کس کار نیک بیاورد، ده برابرش [پاداش] دارد.	﴿ مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا ... ﴾
بزرگ‌ترین عنکبوت در برزیل زندگی می‌کند و وزنش صد و هفتاد گرم است.	﴿ أَكْبَرُ عَنكَبُوتٍ، تَعِيشُ فِي الْبَرَزِيلِ وَ وَزْنُهَا مِئَةٌ وَ سَبْعُونَ غِرَامًا. ﴾

سگ می تواند صدای ساعت را از مسافت چهل قدم بشنود.	الْكَلْبُ يَقْدِرُ عَلَى سَمَاعِ صَوْتِ السَّاعَةِ مِنْ مَسَافَةٍ أَرْبَعِينَ قَدَمًا.
مورچه می تواند چیزی را که پنجاه برابر وزن خود می باشد، حمل کند.	الْتَمَلَةُ تَقْدِرُ عَلَى حَمْلِ شَيْءٍ يَفُوقُ وَزْنَهَا خَمْسِينَ مَرَّةً.
کلاغ بیست تا سی سال یا بیشتر زندگی می کند.	الْعُرَابُ يَعِيشُ عَشْرِينَ سَنَةً إِلَى ثَلَاثِينَ أَوْ أَكْثَرَ.
آیا می دانی که هشتاد درصد موجودات جهان حشرات هستند؟	هَلْ تَعْلَمُ أَنَّ ثَمَانِينَ فِي الْمِئَةِ مِنْ مَوْجُودَاتِ الْعَالَمِ حَشْرَاتٌ؟

واژگان و اصطلاحات درس

فَارِعٌ: خالی	تَرَاخَمُوا: با یکدیگر مهربانی کردند (مضارع: فَارِعٌ: خالی)	أَبْوَاب: درها (مفرد: باب)
فَاقٌ: برتری یافت (مضارع: يَفُوقُ)	بِتَرَاخَمٍ / مصدر: تَرَاخَمَ	إِتَّخَذَ: گرفت (مضارع: يَتَّخِذُ / مصدر: اِتَّخَذَ)
قَامَ: برخاست (مضارع: يَقُومُ / مصدر: قِيَام)	تَرَكَ: رها کرد، دست کشید، دست برداشت - باقی گذاشت (مضارع: يَتْرُكُ / مصدر: تَرَكَ)	أَثَارٌ: برانگیخت (مضارع: يَثِيرُ / مصدر: إِثَارَةٌ)
قَامَ بِ: اقدام کرد	تَعَاوَنَ: همکاری کرد (مضارع: يَتَعَاوَنُ / مصدر: تَعَاوَنَ)	أَجْرِي: جاری کرد (مضارع: يُجْرِي / مصدر: إِجْرَاء)
كَفَى: کافی بود، بس بود (مضارع: يَكْفِي / مصدر: كَفَايَةٌ)	تَفَرَّقَ: پراکنده شد (مضارع: يَتَفَرَّقُ / مصدر: تَفَرَّقَ)	إِخْتَبَرُ: آزمود، امتحان کرد (مضارع: يَخْتَبِرُ / مصدر: إِخْتِبَار)
كَوَّنَ: ستاره زدند (مضارع: يَتَنَاجَى / مصدر: تَنَاجَى)	تَنَاجَى: با هم راز گفتند، محرمانه با هم حرف زدند (مضارع: يَتَنَاجَى / مصدر: تَنَاجَى)	أَخْلَصَ: مخلص شد، مخلص بود (مضارع: يُخْلِصُ / مصدر: إِخْلَاص)
لَبِثَ: اقامت کرد و ماند (مضارع: يَلْبِثُ)	جَرَى: جاری شد (مضارع: يَجْرِي)	أُرْسِلَ: فرستاد (مضارع: يُرْسِلُ / مصدر: إِرْسَال)
مَا أَجْمَلُ: چه زیباست	جَمِيعٌ: همه، کل	إِسْتَعْفَرَ: آمرزش خواست (مضارع: يَسْتَعْفِرُ / مصدر: إِسْتِعْفَار)
مَرَافِقُ عَامَّةٌ: تأسیسات عمومی	جَمِيعًا: همه با هم، همگی	أَشَدُّ: سخت تر
مَسَاكِينُ: فقیران، بیچارگان (مفرد: مَسْكِين)	حَسَبٌ: برحسب ... ، بنابر ... ، بر طبق ...	أَكَلَ: خورد (مضارع: يَأْكُلُ)
مُضَيِّفٌ: مهمان نواز	حِفَاطٌ عَنِّي: نگهداری از	كَلُوا: بخورید
مَوَاعِظُ: سخنان پندآموز، اندرزها (مفرد: مَوْعِظَةٌ)	حِلْمٌ: بردباری	أَمْسَكَ: به دست گرفت، نگه داشت (مضارع: يُمْسِكُ / مصدر: إِمْسَاك)
نَاقِصٌ: منتهای	دُونَ: بدون	بَسَطَ: گستراند (مضارع: يُبْسِطُ)
نَشَاطٌ: فعالیت	زَائِدٌ: به اضافه	بَعْضٌ ... بَعْضٌ: یکدیگر
نَصَحَ: پند داد (مضارع: يَنْصَحُ)	سَائِحٌ: گردشگر (جمع: سَائِحُونَ، سَائِحَاتٌ)	بَقَعَةٌ: قطعه زمین (جمع: بَقَاع)
نَعَجَةٌ: میش (جمع: نَعَاج)	سَاوِيٌ: برابر است (مضارع: يُسَاوِي / مصدر: مُسَاوَاة)	بَنَى: ساخت، بنا کرد (مضارع: يَبْنِي / مصدر: بِنْيَان، بِنَاء)
نَفَايَةٌ: زباله (جمع: نَفَائِيَات)	شُعَبٌ: مَلَّتْ (جمع: شُعُوب)	بَهِيمَةٌ: چارپا «به جز درندگان» (جمع: بَهَائِم)
نَمَلَةٌ: مورچه	عَلَّمَ: یاد داد (مضارع: يُعَلِّمُ / مصدر: تَعْلِيم)	بَيَّنَّةٌ: دلیل آشکار
وَرَثَ: به ارث گذاشت (مضارع: يُورِثُ / مصدر: تَوْرِيث)	عِنْدَئِذٍ: در این هنگام	
هَاتِفٌ: تلفن (جمع: هَوَاتِف)	عَرَسَ: کاشت (مضارع: يَغْرِسُ)	
يُنْبِوعٌ: جوی پرآب، چشمه (جمع: يَنْبِيع)	عَفَرَ: بخشید، آرزید (مضارع: يَغْفِرُ / مصدر: مَغْفِرَةٌ)	

کلمات مترادف

عَظِيمٌ = کَبِيرٌ (بزرگ)	سَنَةٌ = عَامٌ (سال)
وَجَعٌ = أَلَمٌ (درد)	فَائِزٌ = نَاجِحٌ (پیروز، موفق)
أَجْرٌ = ثَوَابٌ (پاداش، جزا)	وَصَّحٌ = جَعَلَ (قرار داد)
كَوَّنَ = نَجَّمَ (ستاره)	حِلْمٌ = صَبْرٌ (بردباری)
إِخْوَةٌ = إِخْوَانٌ (برادران)	

تست‌های ترجمه

■ ■ ■ تشخیص معنای واژه

- ۴۶- عَيَّنِ التَّرْجَمَةَ الصَّحِيحَةَ لِهَذِهِ اللُّغَاتِ: «أَشَدَّ - وَزَع - حِلْمٌ»
 (۱) شدید - پارسایی - گوشت (۲) سخت‌تر - پارسایی - بردباری (۳) سخت‌تر - قورباغه - بردباری (۴) شدیدتر - حرص - رویا
- ۴۷- عَيَّنِ التَّرْجَمَةَ الصَّحِيحَةَ لِهَذِهِ اللُّغَاتِ: «قِلَّةٌ - مُصِيبَةٌ - خَوْفٌ»
 (۱) کم - سختی - خواب (۲) کمی - نافرمانی - ترس (۳) کمی - گرفتاری - ترس (۴) نوک - گرفتاری - ترس
- ۴۸- عَيَّنِ الصَّحِيحَ فِي تَرْجَمَةِ هَذِهِ اللُّغَاتِ: «مَا وَضَعُوا - لَا يَبْضُرُونَ - كَانَتْ تَنْصَحَانِ»
 (۱) قرار ندادید - فریاد نمی‌کشند - سفارش می‌کردند (۲) گذاشتند - فریاد نکشیدند - نصیحت می‌کردند (۳) نگذاشتند - فریاد نمی‌کشند - پند می‌دادند (۴) قرار ندادند - فریاد نمی‌کشید - پند دادند
- ۴۹- عَيَّنِ الصَّحِيحَ فِي التَّرْجَمَةِ:
 (۱) لَا أَنْسَى: فراموش نمی‌کنم/ سَتَنْزِلُونَ: پایین خواهند آمد (۲) وَصَلْتَنِّي: رسیدید/ لَا تَكْتُمُنَّ: پنهان نکن (۳) اِكْشِفُوا: کشف کنید/ مَا عَلِمْنَا: انجام ندادیم (۴) تَطَّلِعِينَ: چاپ می‌کنید/ عَطَّرْتَ: عطر زد
- ۵۰- «وَأَمَّا الظُّلْمُ الَّذِي لَا يَبْتَرِكُهُ اللَّهُ، فَظَلَمَ الْعِبَادَ بَعْضِهِمْ بَعْضًا.»؛ عَيَّنِ تَرْجَمَةَ الْكَلِمَاتِ الْمَعْيَنَةِ:
 (۱) از آن دست بر نمی‌دارد - در بعضی موارد (۲) آن را در نظر نمی‌گیرد - به دیگران (۳) آن را رها نمی‌کند - به یکدیگر (۴) آن‌ها را رها نکرده است - به یکدیگر
- ۵۱- «جَعَلَ اللَّهُ الرَّحْمَةَ مِئَةً جُزْءٍ، فَأَمْسَكَ عِنْدَهُ تِسْعَةً وَتِسْعِينَ جُزْءًا.»؛ عَيَّنِ تَرْجَمَةَ الْكَلِمَاتِ الْمَعْيَنَةِ:
 (۱) صد - نگه داشت - نود و نه (۲) صد - نگه می‌دارد - نود و نه (۳) هزار - نگه داشت - هفتاد و هفت (۴) صد - پنهان کرد - هشتاد و هشت
- ۵۲- «أَرْبَعَةٌ قَلِيلٌ كَثِيرٌ: الْفَقْرُ وَالْوَجْعُ وَالْعَدَاوَةُ وَالنَّاز.»؛ عَيَّنِ تَرْجَمَةَ الْكَلِمَاتِ الْمَعْيَنَةِ:
 (۱) درد - گناه (۲) درد - دشمنی (۳) گرسنگی - دشمن (۴) گرسنگی - دشمنی
- ۵۳- «وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَى قَوْمِهِ فَلَبِثَ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا.»؛ عَيَّنِ تَرْجَمَةَ الْكَلِمَاتِ الْمَعْيَنَةِ:
 (۱) پیامبری کرد - هزار سال منهای پنجاه (۲) هدایت نمود - نهصد و پنجاه (۳) اقامت کرد - هشتصد و پنجاه (۴) اقامت کرد و ماند - نهصد و پنجاه

■ ■ ■ مترادف و متضاد

- ۵۴- عَيَّنِ الصَّحِيحَ فِي الْمُرَادِفِ أَوْ الْمُتَضَادِّ:
 (۱) عَظِيمٌ = طَوِيلٌ (۲) طَاعَةٌ ≠ مُصِيبَةٌ (۳) سَنَةٌ = عَامٌ (۴) وَجَدَ ≠ كَتَمَ
- ۵۵- عَيَّنِ الْخَطَأَ فِي الْمُتَضَادِّ:
 (۱) مَوْتُ ≠ حَيَاةٌ (۲) بَنَاتٌ ≠ بَنِينَ (۳) عَدَاوَةٌ ≠ صَدَاقَةٌ (۴) إِخْوَةٌ ≠ إِخْوَانٌ
- ۵۶- عَيَّنِ الْمُرَادِفَ لِهَذِهِ الْكَلِمَاتِ: «وَجَعٌ - فَائِزٌ - حِلْمٌ»
 (۱) حُزْنٌ - مَوْفُوقٌ - صَبْرٌ (۲) أَلَمٌ - مَسْرُورٌ - رَحْمَةٌ (۳) أَلَمٌ - نَاجِحٌ - صَبْرٌ (۴) وَرَعٌ - نَاجِحٌ - زُهْدٌ
- ۵۷- عَيَّنِ الْمُتَضَادَّ لِهَذِهِ الْكَلِمَاتِ: «قَامَ - ضِيَاءٌ - قِلَّةٌ»
 (۱) جَلَسَ - ظُلْمَةٌ - كَثِيرٌ (۲) جَلَسَ - ظُلْمَةٌ - كَثْرَةٌ (۳) حَاوَلَ - نَوْرٌ - كَثْرَةٌ (۴) رَقَدَ - ظُلْمَةٌ - كَثْرَةٌ
- ۵۸- عَيَّنِ الْخَطَأَ فِي الْمُرَادِفِ أَوْ الْمُتَضَادِّ:
 (۱) أَجْرٌ = نَوَابٌ (۲) حَسَنَةٌ ≠ سَيِّئَةٌ (۳) وَضَعٌ = جَعَلَ (۴) صِدْقٌ ≠ كَاذِبٌ

انتخاب کلمه مناسب

- ۵۹- عَيْنَ الصَّحِيحِ لِلْفَرَاغِ: «فَقِيَهُ..... أَشَدُّ عَلَى الشَّيْطَانِ مِنْ أَلْفِ عَابِدٍ.»
- (۱) واحد (۲) خَمْسُ (۳) ثَلَاثَةٌ (۴) أَوَّلُ
- ۶۰- عَيْنَ الصَّحِيحِ لِلْفَرَاغِ: «الصَّبْرُ.....: صَبْرٌ عَلَى الْمُصِيبَةِ، وَ صَبْرٌ عَلَى الطَّاعَةِ وَ صَبْرٌ عَنِ الْمَعْصِيَةِ.»
- (۱) ثَلَاثَةٌ (۲) أَرْبَعَةٌ (۳) اِثْنَانِ (۴) خَمْسَةٌ
- ۶۱- عَيْنَ الصَّحِيحِ لِلْفَرَاغِ: «الظُّلْمُ الَّذِي.....اللَّهُ فَالشَّرْكُ.»
- (۱) يَغْفِرُهُ (۲) لَا يَغْفِرُهُ (۳) يَتْرَكُهُ (۴) لَا يُشَاهِدُهُ
- ۶۲- عَيْنَ الصَّحِيحِ لِلْفَرَاغِ: «سَبَّحَ يَجْرِي لِلْعَبْدِ أَجْرُهُنَّ وَ هُوَ فِي..... بعد مَوْتِهِ.»
- (۱) بَيْتِهِ (۲) قَبْرِهِ (۳) جَهَنَّمَ (۴) الْعَالَمِ
- ۶۳- عَيْنَ الصَّحِيحِ لِلْفَرَاغِ: « قَالَ الْمَعْلَمُ لِتَلَامِيذِهِ:.....، نَقِصِدُ أَنْ نَرْجِعَ مِنَ السَّفَرَةِ الْعِلْمِيَّةِ.»
- (۱) لَا تَمْسِكُوا (۲) لَا تَتْرَاحَمُوا (۳) لَا تَتَفَرَّقُوا (۴) لَا تَغْرَسُوا

ترجمه جملات

عَيْنَ الْأَصْحَحِ وَ الْأَدَقِّ فِي التَّرْجُمَةِ (۶۴ - ۸۲):

- ۶۴- «الظُّلْمُ الَّذِي يَغْفِرُهُ اللَّهُ، فَظَلَّمُ الْعِبَادِ أَنْفُسَهُمْ فِي مَا بَيْنَهُمْ وَ بَيْنَ رَبِّهِمْ.»:
- (۱) ظلمی که خداوند آن را نمی بخشد، ظلم بنده‌ها به خود می‌باشد در آن چه بین آن‌ها و پروردگار است.
 (۲) ستمی که خداوند آن را می‌بخشد، ستم بندگان به خودشان است در آن چه بین آن‌ها و پروردگارشان باشد.
 (۳) ستمی که خداوند از آن می‌گذرد، ستم‌های بنده به خودش است در آن چه بین او و پروردگارش می‌باشد.
 (۴) ستمی که خداوند آن را بخشیده است، ستم انسان‌ها به خود می‌باشد در آن چه بین آن‌ها و خداوندشان است.
- ۶۵- «مَنْ أَخْلَصَ لِلَّهِ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا، ظَهَرَتْ يَنَابِيعُ الْحِكْمَةِ مِنْ قَلْبِهِ عَلَى لِسَانِهِ.»:
- (۱) هر کس چهل صبح برای خداوند مخلص شود، چشمه‌های حکمت از قلب او بر زبانش آشکار می‌گردد.
 (۲) هر کس چهل روز برای خداوند خود مخلص شود، چشمه دانایی را از قلب خود بر زبانش پدیدار می‌کند.
 (۳) چه کسی چهل روز برای خداوند مخلص شد تا چشمه‌های حکمت از قلب بر زبانش آشکار گردد؟
 (۴) هر کس چهار روز، خود را برای خداوند مخلص گرداند، چشمه‌های دانایی از قلب او بر زبان جاری می‌شود.
- ۶۶- ﴿فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْحَقِّ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا اقْتُلُوا أَبْنَاءَ الَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ﴾:
- (۱) پس هنگامی که حقیقت را از جانب ما آورد، گفتند: پسرانی را که همراه او ایمان می‌آورند، به قتل برسانید.
 (۲) هرگاه حقایق از طرف ما برای آن‌ها آورده شد، گفتند: پسران کسانی را که با او ایمان آوردند، نکشید.
 (۳) زمانی که حقیقت را برای آنان آوردند، می‌گویند: برادران کسانی را که به او ایمان آوردند، بکشید.
 (۴) هنگامی که حقیقت را از جانب ما برای آنان آورد، گفتند: پسران کسانی را که با او ایمان آوردند، بکشید.
- ۶۷- ﴿إِنِّي زَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا وَ الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ زَأَيْتُهُمْ لِي سَاجِدِينَ﴾:
- (۱) من بیست و یک ستاره و خورشید و ماه را می‌بینم که برای من در حال سجده هستند.
 (۲) به راستی من یازده ستاره و خورشید و ماه را دیدم، دیدم که آن‌ها برای من سجده می‌کنند.
 (۳) من یازدهمین ستاره را با خورشید و ماه دیدم، دیدم که برای من سجده می‌کنند.
 (۴) همانا من ستاره یازدهم را با خورشید و ماه دیدم که برای من سجده کردند.
- ۶۸- «إِنَّ الْكَلْبَ يَقْدِرُ عَلَى سَمَاعِ صَوْتِ السَّاعَةِ مِنْ مَسَافَةِ أَرْبَعِينَ قَدَمًا.»:
- (۱) سگ می‌تواند صدای ساعت را از مسافت چهل قدم بشنود.
 (۲) سگ توانست صدای ساعت را از مسافت چهارده قدمی بشنود.
 (۳) گرگ می‌تواند صدای ساعت‌ها را از مسافت چهل قدم بشنود.
 (۴) سگ می‌تواند صدای ساعت را از مسافت چهار قدم بشنود.

۶۹- «الْمَلَّةُ تَقْدِرُ عَلَى حَمْلِ شَيْءٍ يَفُوقُ وَزْنَهَا خَمْسِينَ مَرَّةً.»:

- (۱) مورچه چیزی را که پنج برابر وزن خود می‌باشد، حمل می‌کند.
- (۲) مورچه توانسته است چیزی را که پانزده بار از وزن خود بیشتر می‌باشد حمل کند.
- (۳) مورچه می‌تواند چیزی را که پنجاه برابر وزن خود می‌باشد، حمل کند.
- (۴) مورچه‌ها می‌توانند چیزهایی را که پنجاه برابر وزن خود می‌باشند، حمل کنند.

۷۰- ﴿وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ رُسُلًا إِلَى قَوْمِهِمْ فَجَاءُوهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ﴾:

- (۱) و به راستی پس از تو پیامبری به سوی آن‌ها فرستادیم پس دلایل آشکار برایشان آوردند.
- (۲) و حقیقتاً پیش از تو پیامبرانی به‌سوی قوم آن‌ها فرستاده شد پس دلایل روشن برای آن‌ها بودند.
- (۳) و به راستی قبل از تو فرستادگانی به‌سوی قومشان فرستادم پس دلیل آشکار برایشان آوردند.
- (۴) و به راستی پیش از تو فرستادگانی به‌سوی قومشان فرستادیم پس دلایل آشکار برایشان آوردند.

۷۱- «قَامَ جَدِّي بِتَوْزِيحِ الْهَدَايَا عَلَى الْبَنَاتِ وَ الْبَنِينَ فِي الْحَفَلَةِ.»:

- (۱) مادربزرگم در جشن به پخش هدیه‌ها بین دخترها و پسرها مشغول شد.
- (۲) مادربزرگم در جشن به پخش هدیه‌ها میان دختران و پسران پرداخت.
- (۳) پدربزرگم در این جشن به پخش هدیه‌ها میان پسران و دختران می‌پرداخت.
- (۴) پدربزرگم در این جشن به پخش هدیه‌ها میان پسران و دختران می‌پرداخت.

۷۲- ﴿إِنَّ هَذَا أَحْيَىٰ لَهُ تِسْعٌ وَ تِسْعُونَ نَعْجَةً وَ لِي نَعْجَةٌ وَاحِدَةٌ...﴾:

- (۱) این، برادر من است. او نود و نه گوسفند دارد و من یک گوسفند دارم.
- (۲) این، برادر من است. او هشتاد و هشت گوسفند دارد و من یک گوسفند دارم.
- (۳) این، برادر من است. او هفتاد و هفت می‌دارد و من فقط یک می‌دارم.
- (۴) همانا این، برادر من است که نود و نه می‌دارد و من یک می‌دارم.

۷۳- «أَكْبَرُ عَنكَبُوتٍ، تَعِيْشُ فِي الْبَرَاذِلِ وَ وَزْنُهَا مِئَةٌ وَ سَبْعُونَ غِرَامًا.»:

- (۱) بزرگ‌ترین عنکبوت در کشور برزیل زندگی کرد و وزن آن یکصد و شصت گرم بود.
- (۲) بزرگ‌ترین عنکبوت در برزیل زندگی می‌کند و وزنش صد و هفتاد گرم است.
- (۳) بزرگ‌ترین عنکبوتی که در برزیل زندگی می‌کند، وزنش صد و هفتاد کیلوگرم است.
- (۴) عنکبوت بزرگ‌تر که در برزیل زندگی می‌کند، وزنش صد و نود گرم است.

۷۴- «فِي مَدِينَتِنَا خَمْسُ مَدَارِسَ وَ لِكُلِّ مَدْرَسَةٍ أَرْبَعَةُ عَشَرَ صَفًّا.»:

- (۱) در شهر ما پانزده مدرسه است و هر مدرسه چهار کلاس دارد.
- (۲) در این شهر پنج مدرسه است و هر مدرسه چهار کلاس دارد.
- (۳) در شهر من پنج مدرسه وجود دارد و همه مدرسه‌ها چهارده کلاس دارند.
- (۴) در شهر ما پنج مدرسه است و هر مدرسه چهارده کلاس دارد.

۷۵- «دَرَسْتُ كُلَّ يَوْمٍ سِتَّ سَاعَاتٍ وَ أَصْبَحْتُ التَّلْمِيذَ الثَّانِيَّ مِنْ بَيْنِ ثَلَاثِينَ تَلْمِيذًا فِي الْامْتِحَانَاتِ.»:

- (۱) هر روز شش ساعت درس خواندم و در امتحانات از بین سی دانش‌آموز، شاگرد دوم شدم.
- (۲) هر روز شش ساعت درس می‌خواندم و از بین سیزده دانش‌آموز شاگرد سوم شدم.
- (۳) هر روز هفت ساعت درس خواندم و در امتحانات مدرسه از بین سی دانش‌آموز شاگرد دوم شدم.
- (۴) هر روز هفت ساعت درس می‌خوانم و در امتحانات از بین سی دانش‌آموز شاگرد دوم می‌شوم.

۷۶- «فِي الطَّبَقَةِ السَّادِسَةِ مِنْ ذَلِكَ الْبِنَاءِ خَمْسُ غُرَفٍ جَمِيلَةٍ وَ فِي كُلِّ غُرْفَةٍ مِئَةٌ كُتُبٍ مَفِيدَةٍ.»:

- (۱) در طبقه هفتم از آن ساختمان اطاق پنجم زیباست و در هر اطاق صد کتاب، مفید است.
- (۲) در طبقه ششم از آن ساختمان پنج اطاق زیباست و در هر اطاق یکصد کتاب مفید است.
- (۳) در شش طبقه از این ساختمان پنج اطاق زیبا و در هر اطاق یکصد کتاب مفید است.
- (۴) در طبقه ششم از آن ساختمان پانزده اطاق زیبا و در تمام اطاق‌ها هزار کتاب مفید است.

۷۷- «هَلْ تَعْلَمُ أَنَّ الْغُرَابَ يَعِيشُ عِشْرِينَ سَنَةً إِلَى ثَلَاثِينَ أَوْ أَكْثَرَ؟»:

- (۱) آیا می‌دانی که کلاغ بیشتر از سی سال زندگی می‌کند؟
- (۲) آیا دانستی که کلاغ‌ها بیست تا سی سال یا بیشتر زندگی می‌کنند؟
- (۳) آیا می‌دانی که کلاغ بیست تا سی سال یا بیشتر زندگی می‌کند؟
- (۴) آیا می‌دانستی که کلاغ ده تا بیست سال یا بیشتر زندگی می‌کند؟

۷۸- عَيْنِ الصَّحِيحِ:

- (۱) تَفَكَّرَ سَاعَةً حَيْرٌ مِنْ عِبَادَةِ سَبْعِينَ سَنَةً: یک ساعت اندیشیدن بهتر از هشتاد سال عبادت است.
- (۲) قَالَ اللَّهُ: ﴿إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ﴾: خداوند می‌فرماید: به‌راستی شرک ستم بزرگی است.
- (۳) كَلُّوا جَمِيعًا وَ لَا تَفْرَقُوا فَإِنَّ الْبَرَكَهَ مَعَ الْجَمَاعَةِ: همگی بخورید و پراکنده نشوید چرا که برکت با جماعت است.
- (۴) إِذَا كَانَ إِثْنَانٍ يَتَنَاجَيَانِ فَلَا تَدْخُلُ بَيْنَهُمَا: هرگاه دو نفر با هم محرمانه حرف می‌زنند نباید میان آن‌ها وارد شویم.

۷۹- عَيْنِ الْخَطَأِ:

- (۱) لَا يَغْفِرُ اللَّهُ الشِّرْكَ لِأَنَّهُ ظُلْمٌ كَبِيرٌ: خداوند شرک را نمی‌بخشد زیرا آن ستمی بزرگ است.
- (۲) تِسْعَةٌ أَجْزَاءٍ مِنَ الْعِبَادَةِ فِي طَلَبِ الْحَلَالِ: هفت جزء عبادت در طلب حلال است.
- (۳) ذَهَبَتْ لِرِيَازَةِ الْإِمَامِ الرِّضَا، ثَامِنِ أُمَّتِنَا (ع): به زیارت امام رضا، هشتمین امامان (ع) رفتم.
- (۴) ﴿مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا﴾: هر کس نیکی بیاورد، ده برابرش را دارد.

۸۰- عَيْنِ الصَّحِيحِ:

- (۱) ﴿لَا تَتَّخِذُوا الْإِهْيَانِ ائْتِنِينَ إِنَّمَا هُوَ إِلَهُ وَاحِدٌ﴾: معبود دوم را برای خود نگیرید، بدون شک او خدایی یگانه است.
- (۲) ﴿مَنْ إِلَهُ غَيْرَ اللَّهِ يَأْتِيكُمْ بِضِيَاءٍ أَفَلَا تَسْمَعُونَ﴾: جز خداوند کدام معبود برای شما روشنی آورده است؟ آیا نمی‌شنوید؟
- (۳) ﴿وَ جَاءَ إِخْوَةَ يُوسُفَ فَدَخَلُوا عَلَيْهِ فَعَرَفَهُمْ﴾: و برادران یوسف آمدند و بر او وارد شدند پس آن‌ها را شناخت.
- (۴) ﴿قُلْ مَنْ أَنْزَلَ الْكِتَابَ الَّذِي جَاءَ بِهِ مُوسَىٰ﴾: بگو چه کسی کتابی را که موسی [ع] آن را آورد، نازل کرد؟

۸۱- عَيْنِ الْخَطَأِ:

- (۱) أَنَا مِنْ مَدِينَةِ جُوبَارٍ فِي مُحَافِظَةِ مازندران: من از شهر جوبیار در استان مازندران هستم.
- (۲) مَا أَجْمَلَ غَايَاتِ مازندرانَ وَ طَبِيعَتِهَا! جنگل‌های مازندران و طبیعت آن بسیار زیباست.
- (۳) إِنَّ الشَّعْبَ الْإِيرَانِيَّ شَعْبٌ مِضْيَافٌ: به‌راستی ملت ایران، ملتی مهمان‌نواز است.
- (۴) إِنَّ إِيْرَانَ بِلَادًا جَمِيلَةً جِدًّا: ایران واقعاً کشوری زیباست.

۸۲- عَيْنِ الصَّحِيحِ:

- (۱) يَدْخُلُ الْأُسْتَاذُ فِي الصَّفِّ فَيَقُومُ الطَّلَابُ إِحْتِرَامًا لَهُ: استاد وارد کلاس شد و دانشجویان به احترامش برخاستند.
- (۲) إِنَّ ثَمَانِينَ فِي الْمِئَةِ مِنْ مَوْجُودَاتِ الْعَالَمِ حَشْرَاتٌ: یکصد و هشتاد نوع از موجودات جهان حشرات هستند.
- (۳) إِنَّ طُولَ قَامَةِ الرَّزَاقَةِ سِتَّةٌ أَمْثَارًا: طول قامت زرافه هفت متر است.
- (۴) جَاءَ أَخِي الْمِضْيَافُ بِالطَّعَامِ لِضِيُوفِنَا الْأَعْرَاءِ: برادر مهمان‌نوازم برای مهمانان عزیزمان غذا آورد.

تطبیق با واقعیت

۸۳- عَيْنِ الصَّحِيحِ حَسَبِ الْحَقِيقَةِ وَ الْوَاقِعِ:

- (۱) يَجْرِي أَجْرٌ اسْتِغْفَارِ الْوَالِدِ لِلْوَالِدَيْنِ بَعْدَ مَوْتِهِمَا.
- (۲) لَا يَجْرِي أَجْرٌ حَفْرِ الْبَيْتِ لِلْعَبْدِ وَ هُوَ فِي قَبْرِهِ بَعْدَ مَوْتِهِ.
- (۳) الظُّلْمُ الَّذِي يَغْفِرُهُ اللَّهُ فَالشِّرْكَ لِأَنَّهُ ظُلْمٌ صَغِيرٌ.
- (۴) مَا عَرَفَ يُوسُفُ (ع) إِخْوَتَهُ عِنْدَمَا دَخَلُوا عَلَيْهِ.

۸۴- عَيْنِ الْخَطَأِ حَسَبِ الْحَقِيقَةِ وَ الْوَاقِعِ:

- (۱) الْيَوْمَ الثَّانِي مِنْ أَيَّامِ الْأُسْبُوعِ يَوْمُ الْأَحَدِ.
- (۲) الْيَوْمَ السَّادِسُ مِنْ أَيَّامِ الْأُسْبُوعِ يَوْمُ الْخَمِيسِ.
- (۳) الْفَصْلُ الرَّابِعُ فِي السَّنَةِ الْإِيرَانِيَّةِ فَصْلُ الشِّتَاءِ.
- (۴) الْفَصْلُ الثَّانِي فِي السَّنَةِ الْإِيرَانِيَّةِ فَصْلُ الْخَرِيفِ.

۸۵- عَيْنِ الْخَطَأِ حَسَبِ الْحَقِيقَةِ وَ الْوَاقِعِ:

- (۱) لِكُلِّ سَنَةٍ أَرْبَعَةُ فُصُولٍ.
- (۲) فِي الْقُرْآنِ الْكَرِيمِ ثَلَاثُونَ جُزْأً.
- (۳) فِي السَّنَةِ ثَمَانِيَّةٌ وَ أَرْبَعُونَ أُسْبُوعًا.
- (۴) الْفَصْلُ الثَّانِي مِنْ السَّنَةِ فَصْلُ الصَّيْفِ.

پاسخ پرسش‌های چهارگزینه‌ای

- ۴ ثمانیَّةٌ و أربعونَ → $8 \times 6 = 48$
- ۳ ترجمه سؤال: این ساعت را با ارقام بنویس: «دوازده تمام»
- ۴
- ۳ ترجمه سؤال: ساعت الان چند است؟
- ۲ ترجمه گزینه‌ها:
- (۱) هشت و ده دقیقه (۲) هفت و ده دقیقه
(۳) ده دقیقه به هفت (۴) شش و ده دقیقه
- ۲ ترجمه گزینه‌ها:
- (۱) بیست دقیقه به چهار (۲) چهار و بیست دقیقه
(۳) چهار و ده دقیقه (۴) چهار دقیقه به ده (نه و پنجاه و شش دقیقه)
- ۲ ترجمه گزینه‌ها:
- (۱) یک ربع به دو (یک و چهل و پنج دقیقه)
(۲) دو و ربع (دو و پانزده دقیقه)
(۳) دوازده و ربع (دوازده و پانزده دقیقه)
(۴) چهار و دو دقیقه
- ۴ ترجمه صورت سؤال: این عملیات حسابی را با ارقام بنویس:
- ۴ ترجمه صورت سؤال: این عملیات حسابی را با ارقام بنویس:
- ۲
- ۳
- ۱ ترجمه عبارت: پنجاه و دو دو مساوی هست با بیست و شش.
- ترجمه گزینه‌ها:
- (۱) تقسیم‌بر (۲) ضرب‌در
(۳) منهای (۴) به‌اضافه
- ۴ ترجمه عبارت سؤال: «..... منهای ده مساوی هست با».
- ترجمه گزینه‌ها:
- (۱) نود - هشتاد (۲) بیست و چهار - چهارده
(۳) شصت - پنجاه (۴) سی و پنج - پنجاه و دو
- ۲ ترجمه عبارت: «شصت و سه منهای بیست و یک مساوی هست با ..».
- ترجمه گزینه‌ها:
- (۱) چهل و یک (۲) چهل و دو
(۳) بیست و چهار (۴) سی و نه
- ۳ «الأول» از اعداد ترتیبی است.
- ۳ ترجمه سؤال: کدام گزینه برای جاهای خالی به ترتیب درست است؟
- «پنجم - - - هشتم -»
- ترجمه گزینه (۳): ششم - هفتم - نهم
- ۳ ترجمه درست: شصت فقیر
- ۱ ترجمه درست سایر گزینه‌ها:
- (۲) بیست و دو (۳) نود و شش (۴) چهل و پنج
- ۲ ترجمه سایر گزینه‌ها:
- (۱) شانزدهم (۳) هفدهم (۴) شش
- ۲ یادآوری: به کلماتی که شمرده می‌شوند محدود می‌گویند.
- ۳ ترجمه سایر گزینه‌ها:
- (۱) پنج (۲) پانزده (۴) پنجم
- ۳ ترجمه سؤال: فصل دوم در سال ایرانی چیست؟
- ترجمه گزینه‌ها:
- (۱) پاییز (۲) بهار (۳) تابستان (۴) زمستان
- ۲ ترجمه سؤال: فصل اول در سال ایرانی چیست؟
- ترجمه گزینه‌ها:
- (۱) تابستان (۲) بهار (۳) زمستان (۴) پاییز
- ۲ ترجمه عبارت: فصل در سال ایرانی فصل پاییز است.
- ۲ ترجمه سؤال: در مرحله ابتدایی چند کلاس است؟
- ۳ ترجمه سؤال: در ماه چند هفته هست؟
- ۴ ترجمه عبارت: مرقد امام در کربلاست.
- ۲ ترجمه عبارت: مرقد امام در مشهد است.
- ۴ ترجمه سؤال: در یک ساعت چند دقیقه هست؟
- ۲ ترجمه عبارت: روز از ایام هفته روز یکشنبه است.
- ۳ ترجمه عبارت: روز از ایام هفته روز پنج‌شنبه است.
- ۴ ترجمه عبارت: روز سوم از ایام هفته روز است.
- ۱ ترجمه سؤال: گزینه درست را در ترتیب ایام هفته معین کن:
- ترجمه گزینه (۱): شنبه - یکشنبه - دوشنبه - سه‌شنبه -
- ۱ ترجمه گزینه‌ها:
- (۱) در هفته نه روز است. (۲) ماه سی روز است.
(۳) سال دوازده ماه است. (۴) قرن صد سال است.
- ۲ «بیست و نه - سی - سی و یک - سی و دو - سی و سه»
- ۴ ترجمه سایر گزینه‌ها:
- (۱) پنجاه و هفت (۲) نود و پنج (۳) هشتاد و هفت
- ۴ سِتَّةَ عَشَرَ → $16 = 9 + 7$
- ۱ ثَلَاثُونَ → $30 = 33 - 63$

۳ «مِئَةٌ و سَبْعُونَ» به معنای «صد و هفتاد» است.

ترجمه گزینه‌ها:

- ۱) خداوند نود و نه جزء از رحمت خود را نزد خویش نگه داشت.
- ۲) نوح در میان قوم خود نهصد و پنجاه سال اقامت کرد.
- ۳) وزن این عنکبوت صد و هفتاد گرم است.
- ۴) معلم من صد و پنجاه کتاب در کتابخانه‌اش دارد.

۲ ترجمه سؤال: کتاب تو صد و بیست صفحه دارد. هفتاد و سه صفحه از آن را خوانده‌ای. چند صفحه را نخوانده‌ای؟

۴ ترجمه عبارت سؤال: در کتابخانه من شش طبقه و در هر طبقه نه کتاب است. در کتابخانه من کتاب است.

۴ «الثَّامِنَةَ عَشْرَةَ» از اعداد ترتیبی است.

ترجمه گزینه‌ها:

- ۱) یکی از دانش‌آموزان برای زیارت به مشهد مقدس رفت.
 - ۲) سال گذشته هر روز، هفت ساعت درس می‌خواندم.
 - ۳) دوستانم دو کتاب از کتابخانه برای مدت سه روز گرفت.
 - ۴) معلم دوازده سؤال از صفحه هجدهم کتاب از من پرسید.
- ۳ ترجمه سؤال: عبارتی را مشخص کن که در آن عقود باشد.
- «تِسْعُونَ» و «ثَمَانِينَ» از اعداد عقود هستند.

ترجمه گزینه‌ها:

- ۱) عبادت ده جزء دارد، نه جزء [از آن] در طلب [روزی] حلال است.
- ۲) دو خدا را برنگزینید، بدون شک او خدایی یگانه است.
- ۳) نود منهای ده مساوی هشتاد است.
- ۴) وزن این عنکبوت صد گرم است.

۳ ترجمه سؤال: عبارتی را مشخص کن که در آن عدد اصلی و ترتیبی آمده است.

«اِثْنَتَيْنِ» عدد اصلی است و «السَّابِعِ» و «الثَّانِي عَشْرَةَ» اعداد ترتیبی هستند.

ترجمه گزینه‌ها:

- ۱) هجده دانش‌آموز پسر و ده دانش‌آموز دختر در مسابقه شرکت کردند.
- ۲) برادرم هفتاد و هفت گوسفند دارد و من سی و چهار گوسفند دارم.
- ۳) دو زبان از کلاس هفتم تا کلاس دوازدهم یاد می‌گیریم.
- ۴) در هر رکعت از نماز یک رکوع و دو سجده وجود دارد.

۲ ترجمه سؤال: گزینه‌ای را مشخص کن که همه آن از اعداد اصلی است.

ترجمه گزینه‌ها:

- ۱) چهل و دو (اصلی) - یازده (اصلی) - شانزدهم (ترتیبی)
- ۲) چهار (اصلی) - دوازده (اصلی) - پنجاه و نه (اصلی)
- ۳) سه (اصلی) - پانزدهم (ترتیبی) - اول (ترتیبی)
- ۴) هشتم (ترتیبی) - پانزده (اصلی) - هفتاد و هفت (اصلی)

۲

۳

۳ توجه: «كَانَتَا تَنْصَحَانِ» ماضی استمراری است.

۲ ترجمه درست سایر گزینه‌ها:

- ۱) فراموش نمی‌کنم / پایین خواهید آمد
- ۳) کشف کنید / ندانستیم
- ۴) چاپ می‌کنی / عطر زدی

۳ ترجمه صورت سؤال: ترجمه کلمات مشخص شده را معین کن.

۱ توجه: «أَمْسَكَ» فعل ماضی است.

۲

۴

۳ ترجمه گزینه‌ها:

- ۱) بزرگ = طولانی، بلند
- ۲) اطاعت کردن ≠ گرفتاری
- ۳) سال = سال
- ۴) یافت ≠ پنهان نمود

۴ ترجمه گزینه‌ها:

- ۱) مرگ ≠ زندگی
- ۲) دختران ≠ پسران
- ۳) دشمنی ≠ دوستی
- ۴) برادران ≠ برادران

۳ ترجمه کلمات سؤال: درد - موفق - بردباری

ترجمه گزینه‌ها:

- ۱) ناراحتی - پیروز - بردباری
- ۲) درد - خوشحال - مهربانی
- ۳) درد - پیروز - بردباری
- ۴) پرهیزکاری - پیروز - پارسایی

۲ ترجمه کلمات سؤال: «ایستاد - روشنایی - کمی»

ترجمه گزینه‌ها:

- ۱) نشست - تاریکی - زیاد
- ۲) نشست - تاریکی - زیادی
- ۳) تلاش کرد - نور - زیاد
- ۴) خوابید - تاریکی - زیادی

۴ ترجمه گزینه‌ها:

- ۱) پاداش = پاداش
- ۲) خوبی ≠ بدی
- ۳) قرار داد = قرار داد
- ۴) راستی ≠ دروغگو

۱ ترجمه عبارت: فقیه از هزار عابد بر شیطان سخت‌تر است.

۱ ترجمه عبارت: صبر [گونه است]: صبر بر گرفتاری، صبر بر بندگی و صبر از گناه.

۲ ترجمه عبارت: ستمی که خداوند آن را ، شرک است.

۲ ترجمه عبارت: پاداش هفت چیز برای بنده جاری می‌شود در حالی که او بعد از مرگش در می‌باشد.

۳ ترجمه عبارت: معلم به دانش‌آموزانش گفت: ، می‌خواهیم از سفر علمی برگردیم.

ترجمه گزینه‌ها:

- ۱) به‌دست نگیرید
- ۲) به هم مهربانی نکنید
- ۳) پراکنده نشوید
- ۴) نکارید